

هوالحکیم

سواد هنری

مدرس: ناهید خوشنویس

پاییز 1395

دانشگاه علمی کاربردی

واحد 13

هنرهای تجسمی

آن دسته از هنرهایی هستند که با چشم دیده می شوند و عینی هستند مانند: معماری، نقاشی، مجسمه سازی، سینما و عکاسی که هنرهای بصری هستند. ارتباطات تصویری از دوران نقاشی در غارها در دوران نخستین آغاز گردیده و سپس در طول سالها پیشرفت به شکل امروزی درآمده است.

نقاشی

: نقاشی یا نگارگری فرآیندی است که طی آن رنگ بر روی یک سطح مانند کاغذ یا بوم ایجاد نقش می کند و اثری خلق می شود.

فردی که این فرآیند توسط او انجام می گیرد. نقاش نام دارد.

نقاشی یکی از رشته های اصلی هنرهای تجسمی است و قدمت آن به تشکیل زندگی اجتماعی انسان اولیه باز می گردد.. نقاشی های یافت شده در غارهای محل سکونت انسان های اولیه، حاکی از آن است که اعضای نخستین اجتماعات انسانی با ترسیم نقش حیوانات و شکارشان به نوعی خود را آماده مقابله با محیط خارج از غار می کرده اند

هر ارتباطی است که از طریق تصویر دیده و درک می شود که دارای 5 عنصر است:

نقطه - خط - شکل - جهت - رنگ

1) نقطه:

هر ضربه ای که به یک سطح وارد شود نقطه گفته می شود. در واقع نقطه، اثری است که با ضربه و گذاشتن و برداشتن آن ضربه بر یک سطح ایجاد می شود.

نقطه ها در کنار هم ایجاد نظم می کنند و به انسجام می رسند

چنانچه در کنار هم نباشند و پراکندگی در نقاط وجود داشته باشد از یکپارچگی و انسجام خارج می گردند

2) خط:

از پشت هم قرار گرفتن نقاط ، خط تشکیل می شود. پس در واقع خط تجمع پشت سر هم نقاط است. خطوط به صورتهای مختلف وجود دارند از قبیل :

خط عمودی

خط افقی

خط مورب

خط مارپیچ

انواع خطوط نماد :

خط مارپیچ یا منحنی	خط مورب	خط افقی	خط عمودی	
بیچ جاده، حرکت مار	سراشینی کوه، سرسره	خیابان، انسان خوابیده، آسمان، دریا	انسان ایستاده، ساختمان، چارچوب، درخت	مانند
نرمی، لطافت، ملایمت، سیال بودن	عدم تعادل، تحرک، خشونت، یو یابی	سکون، آرامش، تعادل، اعتماد	استواری، ایستادگی، استقامت، قدرت	نماد

3) اشکال

اشکال به صورتهای مختلفی وجود دارند که به چند نمونه در زیر می پردازیم :

دایره: شکل کاملی است (به لحاظ دوران و چرخشی که ابتدا و انتها ندارد) . حس گردش، حرکت و چرخیدن دارد.

با دیدن اشکال دایره ای شکل می توان به تکرار و حرکت جاودانه و مستمر در طبیعت پی برد. مانند آنچه که در زندگی انسان در جریان است (آمدن شب و روز، هفته ها، فصل ها و سال ها) بنابراین اشکال دایره ای شکل حس درون گرایی و بسته بودن را به انسان می دهند. همینطور مانند خورشید گرما، نور، زنده بودن، آرامش و بی انتها بودن را به انسان منتقل می کند

مثلث :

سطحی مهاجم و شکلی ستیزنده و حالتی متحول و پویایی دارد



شکل 1) مانند کوه، حس استواری



شکل 2) حس ناپایداری، تزلزل، عدم نظم را ایجاد میکند.

مربع:

تشکیل شده از خطوط عمودی و افقی است.

چهار خط (چهار ضلع و چهار زاویه مساوی) به دور هم که تشکیل یک چهارخانه را میدهد.

که مظهر قدرت زمین و سر پناهی امن می باشد.



اگر فضای آن خالی باشد : نشانه (فضا و حس منفی بودن)

و اگر یک چهارخانه پر باشد : نشانه (فضای مثبت و حس بودن) را به

انسان می دهد.



4) رنگ ها

رنگها برای مخاطبان حس های گوناگونی را به وجود می آورد.

در هنرهای تجسمی رنگ ها بسیار مهم و تاثیر آنها بسیار حائز اهمیت است.



رنگها در دو نوع سرد و گرم هستند. سه رنگ اصلی در رنگها **زرد**، **آبی** و **قرمز** است

که رنگهای دیگر از ترکیب آنها به وجود می آید

• **زرد**



نور، گرما، شک، تردید، بی اعتمادی و محتاط بودن به شخص را میدهد

•

قرمز

دارای حس جذابیت است و افرادی که به رنگ قرمز علاقمندند دارای اعتماد به نفس، خونگرم، رابطه خوب اجتماعی، زندگی پر از احساس و عاشقانه و دوستدار جامعه هستند.



گرما، نور، آرامش، خطر، فوریت یک امر، انقلاب، مبارزه، عصبانیت و نیز حالات محبت زندگی، عشق و عاطفی را دارا می باشد .

از رنگ قرمز بیشتر در صنعت غذاسازی و دکوراسیون رستورانها به جهت جلب مشتری و نیز ایجاد اشتها استفاده می گردد .

آبی

سرد ، درون گرا ، بی حرکت و ملایم است.

از رنگ آبی بیشتر در محل هایی که مکان استراحت و آرامش است، استفاده می شود.

آبی، رنگی برای سکون، آرامش و خواب است



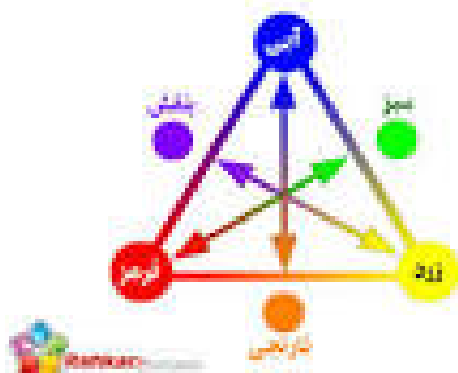
رنگ های درجه 2 (فرعی):

که از ترکیب سه رنگ اصلی به وجود می آیند.

زرد + قرمز = نارنجی

زرد + آبی = سبز

قرمز + آبی = بنفش



و بقیه رنگها، رنگهای درجه 3 نامیده می شوند



تاثیرات بصری و روانی رنگ ها

رنگ **قرمز**: انرژی / هیجان / قدرت / نشاط

رنگ **آبی**: سرد / درون گرایی

رنگ **سبز**: رویش / طبیعت / فعالیت

رنگ **نارنجی**: بلوغ / نوجوانی / شادابی / وجد آور

رنگ **بنفش**: مرموز / ابهام آور

حال اگر کمی **قرمز** به **آبی** اضافه شود از حالت تحرک آن کم می شود و اضافه کردن مقداری زرد به قرمز به حرارت آن می افزاید.

رنگ زرد: ناپایداری / شک / تردید / بی اعتمادی

عکاسی



در لغت به معنای فن عکسبرداری است و به عمل و شغل عکاس نیز گفته می‌شود.

این هنر در اکثر زبان‌های جهان فتوگرافی (photo graphy) خوانده می‌شود که ترکیبی از دو کلمه یونانی: فتو (photo) به معنای "نور" و گرافی (graphy) به معنی "ثبت یا نگارش" است.

بنابراین، فتوگرافی به معنای "نقش کردن با نور" است.

عکاسی عبارت است از ثبت و ایجاد تصویر که در دو

مرحله انجام می‌پذیرد:

نخست، به دست آوردن تصویر به وسیله دوربین و ثبت آن روی نگاتیو یا گیرنده تصویر الکترونیکی

و

دوم، ظاهر کردن تصویر مخفی حاصل از دوربین عکاسی و پایدار کردن آن.

در این فرآیند، دریافت و ثبت نور بر روی یک سطح حساس به نور، مانند نگاتیو یا گیرنده تصویر، باعث می‌شود الگوهای نوری بازتابیده یا ساطع شده از اشیا بر روی سطح حساس به نور (نقره کلرید یا گیرنده) تأثیر بگذارد و باعث ثبت تصاویر شود.



عکاسی دارای سه جنبه علمی، صنعتی و هنری است.

- به عنوان یک پدیده علمی متولد شد،
- به شکل یک صنعت گسترش یافت
- و به عنوان هنر تثبیت شد

2 مدل دوربین وجود دارد :

1- دوربین آنالوگ



2- دوربین دیجیتال

فرآیند دوربین آنالوگ :



سبب ثبت تصویر در نگاتیو می

نور ساطع شده از اشیاء به نگاتیو
شود. دوربین های آنالوگ حافظه، پردازشگر و سنسور ندارد.

فرآیند دوربین دیجیتال :

پرتوها نور به سنسور اصابت کرده و تبدیل به سیگنالهای الکترونیکی شده و سپس به پردازشگر ارسال شده و سپس به دیتاهای دیجیتالی تبدیل شده و در نهایت در کارت حافظه ذخیره می شود.

ساختمان یک دوربین :

- 1) لنز: مجموعه ای از عدسی ها هستند که وظیفه ایجاد تصویر دقیق بر روی فیلم دوربین آنالوگ یا حسگر (سنسور) دوربین دیجیتال را دارد.
- 2) بدنه : جعبه و چارچوبی اصلی است که در آن لنز، صفحه فیلم و یا در دوربینهای دیجیتال سنسور در آن قرار دارد.
- 3) صفحه حساس: اگر دوربین آنالوگ باشد صفحه حساس فیلم و چنانچه دوربین دیجیتال باشد صفحه حساس را سنسور می گویند.
- 4) دیافراگم : وظیفه تنظیم نور و عبور از آن را دارد. روزنه ای در دوربین است که کم و زیاد کردن نور را بر عهده دارد مانند مردمک چشم. دیافراگم جزئی از لنز دوربین می باشد.

دوربین های دیجیتال جانشین دوربین آنالوگ

مراحل زیروظیفه ثبت عکس را در دوربین دیجیتال نمایش می دهد و در دوربین آنالوگ کلیه این مراحل در فیلم عکاسی رخ میدهد و فاقد پردازشگر و کارت حافظه می باشد.

پرتوهای نور ----- بر خورد با سنسور ----- تبدیل به سیگنالهای الکترونیکی ----- ارسال
به پردازشگر ----- تبدیل به دیتاهای دیجیتالی ----- در کارت حافظه ذخیره می شود /

عکس و رسانه

هر عکس به عنوان یک رسانه باید ویژگی‌هایی به قرار زیر داشته باشد

- 1: داشتن پیام روشن و آشکار
- 2: هر عکس باید پیام خاصی داشته باشد و هدفی را دنبال کند.
- 3: پیام عکس باید با اهداف و محتوای آن همخوانی داشته و منطبق با آن باشد
- 4: عکس خوب باید در بینندگان پرسش ایجاد کند و ذهن را به کاوش برای فهم معنا وادارد.
- 5: عکس باید با قدرت درک و فهم مخاطبان هماهنگ باشد و با میزان سواد تصویری آنان منطبق باشد
- 6: در عکس باید نشانه‌های جداگانه برای درک بهتر مخاطبان وجود داشته باشد
- 7: عکس نباید نیازمند توضیحات مفصل باشد
- 8: عکس باید واضح، روشن و قابل رویت باشد
- 9: موضوع عکس باید برجسته و مشخص باشد

ویژگی‌ها کاربردهای عکس:

1. عکس بدون شرح و زیرنویس خود می‌تواند یک خبر باشد
2. عکس تکمیل‌کننده خبر است
3. عکس خبر را مستند می‌کند و جان و روح به آن میبخشد
4. عکس خبر را برای خواننده یا مخاطب انتخاب می‌کند (یعنی ما در خیلی اوقات با دیدن عکس انتخاب می‌کنیم چه خبری را بخوانیم)
5. عکس برای زیبایی صحنه به کار می‌رود و گاه نیز پرکننده صفحه است

سینما

سینما شاخه‌ای از هنر است که در آن داستان با دنباله‌ای از تصاویر متحرک (فیلم) نمایش داده می‌شود. اثر سینمایی که به آن فیلم سینمایی می‌گویند، از عناصر تصویر (مجموعه‌ای از فریم‌ها) و صدا (گفت‌وگو، صدای زمینه و موسیقی) تشکیل شده‌است.

هر فیلم براساس فیلم‌نامه و یا سناریو و مجموعه‌ای از بازیگران، کارگردان، فیلم‌بردار و عوامل دیگر ساخته می‌شود.

سینما جدیدترین شاخه هنر، معروف به هنر هفتم است که امروزه، یکی از عمومی‌ترین و محبوب‌ترین تولیدات هنر تصویری را ارائه می‌دهد.

سینما همچنین به محل پخش عمومی فیلم سینمایی نیز گفته می‌شود

تفاوت‌های تکنیکی عکاسی و سینما:

حرکت: در عکاسی حرکت وجود ندارد.

اما در سینما، مخاطب حرکت هنرپیشه‌ها را روی پرده می‌بیند.

زمان: در عکاسی زمان برای تماشای عکس نامحدود است. اما در سینما، تصاویر برای مدت زمان معینی برای مخاطب قابل رویت است.

صدا: در عکاسی مخاطب با صدا سر و کار ندارد.

اما در سینما، صدا یکی از عمده‌ترین ابعاد مکمل تصویر محسوب می‌شود

اصول نقد فیلم

نقد فیلم بر دو دسته است

- 1- نقد آکادمیک: توسط محققان و اندیشمندان به صورت علمی صورت می گیرد.
 - 2- نقد ژورنالیستی: صاحبان رسانه و روزنامه ها و رادیو و تلویزیون انجام می دهد. در این نقد منتقد الزاما روزنامه نگار نیست بلکه می تواند از اینترنت و ماهواره نیز کمک بگیرد. همچنین نقد ژورنالیستی به زبان عامیانه نگاشته می شود.
- آنچه از نقد در نظر اول به ذهن متبادر می شود، ایراد و اشکال گرفتن از یک کار یا اثر علمی و هنری است، اما در واقع نقد نه ایراد و خرده گیری است نه اشکال تراشی، بلکه علم ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که مانند سایر رشته های علمی، قواعد و اصول خاص خود را دارد که به آن «روش شناسی نقد» گفته می شود.

واژه نقد

واژه نقد و نقد کردن

- در قدیم به معنای تعیین عیار سکه طلا و تشخیص سکه واقعی از سکه قلب بوده است،
- اما امروزه در یک مفهوم کلی به معنای قضاوت و ارزیابی درباره اعمال، افکار و آثار دیگران است و آنچه بیشتر از نقد به طور اخص مدنظر است سنجش و ارزشیابی دقیق و علمی درباره آثار و دستاوردهای علمی نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان در تمامی حوزه های دانش بشری است
- . نقاد می بایست نگاهی علمی داشته باشد و به علوم انسانی مانند: جامعه شناسی، ادبیات و روانشناسی مسلط باشد. زیرا یک فیلم به همه این عوامل بستگی دارد.

در تحلیل فیلم بهتر است به چهار عنصر:

- (1) شرایطی که پیرامون ایجاد هر فیلم وجود داشته است،
- (2) تکوین و ساختمان فیلمنامه فیلم،
- (3) مسائل خاص کارگردانی هر فیلم
- (4) برآورد نتایج تجاری و هنری فیلم توجه شود.

شاخه های سینما:

سینمای داستانی : داستان گویی در سینما اهمیت ویژه ای دارد . طرح نمونه وار آثار ملودرام رسیدن به عشق و زندگی بهتر در پایان ماجرا به واسطه تلاش است . یا سینمای وسترن فرزند نوعی اسطوره یا افسانه باوری میان انسانهاست . به طور کلی فیلم داستانی به بسط و پیشبرد یک طرح داستانی توجه دارد .

فیلم مستند : شرح و تفسیری است بر واقعیت یک مضمون و تنظیم دوباره . آن . سینمای مستند بر این اندیشه مبتنی است که از ظرفیت سینما می توان در مشاهده و گزینش از خود زندگی در یک شکل هنری نو و زنده بهره برداری کرد .

سینمای مستند: سینما با سینمای مستند آغاز شده است

تاریخچه سینمای مستند:

سینمای مستند با برادران لومیر آغاز شد .

کارگران در حال خروج از کارخانه لومیر (۱۸۹۵): اگرچه از نمایش این فیلم به عنوان تولد رسمی سینما وارد تاریخ شده،

اما این "ثبت رسمی" امروز با تردیدهای زیادی روبرو شده است

ورود لوکوموتیو بخار به ایستگاه در همان سال تولید شد



کرده بود و



• سپس ادیسون از مراحل کار خود در کارخانه

فیلمبرداری کرد

پس از آن رابرت فلاهرتی که آمریکایی بود در سال **1922** فیلم (نانوک شمالی) را ساخت که **16** ماه در

قطب زندگی کرد و از زندگی اسکیموها فیلمی تهیه پس از تدوین در سال **1922** این فیلم را پخش نمود.

صنعت سینمای مستند به دلیل ارزان قیمت بودن آن باب شد.

Robert Flaherty

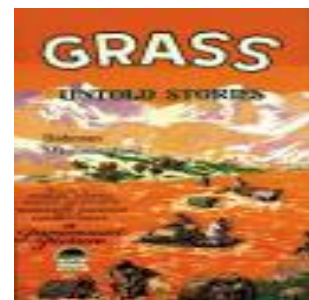
تاریخچه مستند در ایران



در سال 1278 شمسی معادل با سال 1900 میلادی میرزا ابراهیم خان عکاس باشی به همراه مظفرالدین شاه در سفری به پاریس با صنعت سینما آشنا می شود و اولین فیلم مستند را از این سفر تهیه می کند. او نخستین فیلم را در مراسم جشن گلها فیلمبرداری کرد و سپس همراه شاه به ایران بازگشت.

علف

در سال 1303 شمسی معادل با سال 1924 میلادی فیلم مستند مردم نگاری با نام علف در خصوص فرهنگ بختیاری تهیه شد



خانه خدا

در سال 1345 شمسی معادل با سال 1967 میلادی

ابوالقاسم رضایی و جلال مقدم فیلم خانه خدا را تهیه و در سینما به
اکران در آوردند و باعث جذب مخاطبان بسیار شدند



طبقه بندی انواع فیلم مستند:

1. سیاحتگری (سفرهای مارکوپولو)

2- گردشگری

3- اجتماعی

4- علمی

5- شاعرانه (زندگی شاعران و فرهنگیان)

6- تاریخ نگار

7- قوم نگار

عوامل فیلم



- 1- کارگردان
- 2- تهیه کننده
- 3- فیلمنامه نویس
- 4- تدوینگر
- 5- فیلمبردار
- 6- طراح صحنه و لباس -
- 7- نورپرداز و

رابطه و نقش عوامل مختلف فیلم

- بعد از کارگردان مهم ترین عناصر هنری فیلم، فیلمنامه، بازیگران، تدوین و فیلمبرداری هستند. از این رو رابطه کارگردان با این چهار عنصر اهمیت بیشتری دارد.
- در زمینه فیلمنامه باید گفت که این کارگردان است که فیلمنامه را تفسیر می کند .
- ومسئول نهایی القاء حس ها و اندیشه ها در کار بازیگران هم کارگردان است نه بازیگران.
- در زمینه تدوین نیز کارگردان نوعی تدوین درونی را پس از تدوین، فیلمنامه در سر صحنه اعمال می کند. هر چند مراحل نهایی تدوین فیلم بر عهده تدوین گر است.

مسئول نظارت بر کار تدوینگر در یک فیلم چند نفرند :

- نویسنده فیلمنامه،
- کارگردان
- و تدوینگر

1) کارگردان :

- کارگردان پدیدآورنده یک فیلم است.

- کارگردان در تمامی مراحل تهیه فیلم از انتخاب فیلمنامه، انتخاب محل های فیلم برداری، گزینش تمام عوامل سازنده فیلم مانند گروه فنی و گروه هنری تا آماده شدن فیلم برای نمایش، حضور فعال و مستقیم دارد. پس از گزینش، رهبری آنها برای به وجود آوردن یک مجموعه هماهنگ را آغاز می کند.

- هر یک از عوامل فیلم باید به کارگردان، کارهای خود را توضیح دهند و در مقابل کارگردان نیز باید در برابر تهیه کننده پاسخگو باشد. هر کارگردانی شیوه فیلم سازی ویژه ای دارد.

- کارگردان های بزرگ، هر یک سبک خاصی در فیلم سازی دارند و آثارشان را می توان با توجه به ویژگی های کار آنها شناخت.

- کارگردان، اصلی ترین عامل تبدیل یک فیلمنامه به یک فیلم سینمایی، نمایش (تئاتر)، نمایش تلویزیونی (تله تئاتر)، فیلم پویانمایی و سریال تلویزیونی است. به همین دلیل یک اثر تصویر متحرک را به نام کارگردان آن می شناسند.

- مهم ترین کاری که یک کارگردان در جریان ساخت یک اثر تصویر متحرک انجام می دهد، حفظ تم اصلی کار در طی مراحل سه گانه پیش تولید، تولید و پس تولید است

- حرف اول را در فیلم های سینما کارگردان
 - و در فیلم های تلویزیونی تهیه کننده می زند.
 - او باید مدام با تمام عوامل فیلم در ارتباط باشد.
 - کارگردان فیلمنامه را می خواند و دکوپاژ (حذف و اضافه کردن قسمت های مختلف فیلمنامه) می کند.
 - در واقع با دکوپاژ جزء به جزء فیلمنامه را از نظر صدایی، مکانی و ... تغییر می دهد.
- امکان دارد فیلمنامه از زمانی که به دست کارگردان می رسد تغییرهای متعددی می کند. در سینما کارگردان کلیدی ترین فرد است. کارگردان در پیش تولید، تولید و پس تولید فعالیت های اجرایی درون فیلم را انجام می دهد

دو دسته کارگردان داریم

- کارگردانی که خودش نوشته خود را کارگردانی می کند که به او هنرمند - کارگردان گفته می شود.
- کارگردانی که فیلمنامه توسط کس دیگری نوشته شده و او دکوپاژ می کند که به او متخصص - کارگردان گفته می شود.

(2) تهیه کننده:

- تهیه کننده یک فیلم فرد یا سازمانی است (شخص یا اسپانسر) که سرمایه و امکانات تهیه فیلم را تأمین و شرایط را برای درست کردن فیلم فراهم می کند. راه اندازی، هماهنگ سازی، رسیدگی و کنترل کارهایی از جمله جمع آوری پول مورد نیاز، به کارگیری افراد کلیدی، انتخاب فیلمنامه، انتخاب بازیگران و این گونه کارها بر عهده تهیه کننده است. تهیه کننده در تمام مراحل فرآیند فیلم سازی و برنامه سازی از توسعه تا تکمیل پروژه، نقش دارد. تهیه کننده بر تمام مراحل ساخت فیلم نظارت دارد.
- گاهی کارگردان، تهیه کننده نیز هست .
- در فرایند برنامه سازی رادیویی و تلویزیونی ، کلیدی ترین نقش را تهیه کننده اجرا می کند بر خلاف فیلم سازی سینمایی که در آن وظیفه ی مهم تشکیل فرم و ساختار فیلم اساسا متکی به دانش و خلاقیت کارگردان است. در سینما تهیه کننده صرفا سرمایه گذار است.

(3) فیلمنامه نویسی:

- فیلمنامه متنی است که فیلم براساس آن ساخته می شود.
 - هر فیلمنامه شامل شرح صحنه و گفت و گوهای فیلم است.
 - فیلمنامه نویسی کاری چند مرحله ای است، که با یک فکر خاص، یک داستان یا رمان شروع می شود.
 - گاهی برای یک فیلم، فیلمنامه ای اختصاصی نوشته می شود و
 - گاهی یک داستان به صورت فیلمنامه در می آید.
- فیلمنامه پس از تنظیم نهایی به کارگردان سپرده می شود و کارگردان پس از مطالعه اثر و مطابقت آن با سلیقه و سبک خود، نسخه جدیدی از آن به وجود می آورد که به فیلمنامه مخصوص فیلم برداری

مشهور است. در ایران این مرحله را دکوپاژ (واژه فرانسوی) می‌گویند. تمام گفتگوها در آن گفته می‌شود. گفتگو همان دیالوگ‌های بازیگران در کل فیلم است

4) تدوین گر:

- به فرانسوی مونتور (Monteur) و به انگلیسی ادیتور (Film editor) نیز خوانده می‌شود.
- تدوین، کارگردانی مجدد یک فیلم محسوب می‌شود. به همین دلیل تدوین گر مستقیماً همراه با کارگردان مراحل تدوین را به انجام می‌رساند. تدوین گر به کسی گفته می‌شود که فیلم را تدوین می‌کند.
- البته تدوین با مونتاز تفاوت دارد.
- اصطلاح مونتاز صرفاً به مراحل فیزیکی چسباندن قطعات یک فیلم در کنار هم گفته می‌شود.
- در حالی که تدوین اصطلاحی فنی شامل اصول زیبایی شناسی برای کنار هم قرار دادن پلان‌ها است. به گونه‌ای که حسی خاص را در مخاطب ایجاد کرده و ریتم مورد نظر کارگردان را به بیننده منتقل نماید.
- تدوینگر باید به امور تولید اعم از کارگردانی تصویربرداری صدا برداری آشنا باشد، تا بتواند اشتباهات و یا اصلاحات را در تدوین به خوبی اعمال نماید. تدوینگر ماهر فردی است که آرشو کاملی داشته باشد و از زیباشناسی تصویر به خوبی آگاه باشد.
- تنها پس از آن که صحنه یا نمایی کامل شد و به دفعات دیده شد، می‌توان پی برد که فیلم کجا و چه موقع باید برش بخورد.
- کار تدوین با ترکیب کارگردان، فیلمنامه نویس و تدوینگر انجام می‌گردد.
- ثانیه به ثانیه فیلم ادیت می‌شود. یکی از کارهای تدوین گر مونتاز فیلم است که به فیلم صدا، جلوه‌های ویژه، افکت و در آخر حس می‌دهد.

5) بازیگران :

- بازیگر سینما کسی است که نقش یکی از شخصیت‌های فیلم‌نامه را بازی می‌کند. بازیگر زیر نظر کارگردان و با هدایت او نقش را ایفا می‌کند. کارگردان، نحوه لباس پوشیدن، چهره‌پردازی و صحنه‌ای را که باید بازیگر در آن نقش بازی کند، تعیین می‌کند.
- بازیگران یک فیلم، نقش کلیدی در انتقال مفاهیم پنهان و آشکار به مخاطبان دارند.
- بازیگر کسی است که نقش‌هایی که درون فیلم‌نامه مطرح شده است را بازی می‌کند. بازیگر پوشش، نوع بیان، کارها و رفتارها، برخورد و گریم و ... زیر نظر کارگردان می‌باشد.
- همه بازیگران به کارگردان پاسخگو هستند. کارگردان به بازیگران شخصیت پردازی موجود در فیلم شان را می‌گوید و به آنها آموزش می‌دهد.

6) فیلمبردار:

- مدیر فیلمبرداری گروه فیلمبرداری را هدایت می‌کند و به وسیله دوربین فیلمبرداری به ثبت صحنه‌های فیلم می‌پردازد. مسئولیت اصلی فیلمبردار به کارگیری دوربین فیلمبرداری برای ثبت صحنه‌های مورد نظر کارگردان است. فیلمبرداری اصلی‌ترین بخش تولید یک فیلم است و مدیر فیلمبردار شخصی کلیدی در تولید یک فیلم محسوب می‌شود .
 - فیلمبرداری تهیه و ثبت مجموعه‌ای از نماهاست. نحوه فیلمبرداری، حرکتهای مختلف دوربین، نحوه قرار گرفتن آن و دور یا نزدیک بودن نماها می‌تواند احساسات مختلفی را به بیننده انتقال دهد..
- امروزه مدیر فیلمبرداری شخصاً دوربین را کمتر هدایت می‌کند و بیشتر نحوه فیلمبرداری و نورپردازی را طراحی می‌کند و دستیارانش طرح‌های او را اجرا می‌کنند.

در اغلب فیلم‌ها از چند دوربین فیلمبرداری برای ثبت تصاویر استفاده می‌شود و هماهنگی بین دوربین‌های مختلف برای استفاده درست از صحنه‌ها، از دیگر وظایف مدیر فیلمبرداری است . هنگام ضبط صحنه‌ها، مدیر فیلمبرداری علاوه بر این که خود فیلمبرداری با یک دوربین را برعهده دارد، گروه فیلمبرداری را نیز سرپرستی می‌کند .

کار مدیر فیلمبردار:

- 1- نحوه فیلمبرداری (ثابت - متحرک)
- 2- زاویه فیلمبرداری (از بالا به پایین یا برعکس)
- 3- حرکت های مختلف فیلمبرداری
- 4- هماهنگی بین دوربین ها

(8) طراح لباس :

مردم شناسی جزء لوازم کار طراح لباس است. رنگهای لباس بهتر است همخوان با فضای فیلم، شخصیت پردازی و نوع روابطی که فیلم می‌خواهد با تماشاگر برقرار کند باشد.

(9) نورپرداز :

- نورپردازی توسط مدیر فیلم برداری انجام می‌شود، اما کاملاً با نظر کارگردان.
- نورپردازی کمک می‌کند بافت‌ها جلوه‌گر شوند:
- خطوط یک صورت، ظرافت تار عنکبوت، بافت زبر چوب، درخشندگی یک قطعه جواهر و...
- فیلمساز میتواند برای نور موردنظر در صحنه، از انواع پروژکتورها و نورپردازها استفاده کند.

- مقدار، میزان و جهت نور توسط نورپرداز و با هماهنگی کارگردان صورت می گیرد. توسط نور همه چیز مشاهده می شود، سایه می اندازد و سطح را نشان می دهد. در واقع هر چیزی را که بخواهیم دیده شود توسط نور انجام می دهیم.
- انواع نور: 1- نور طبیعی (بهترین نور) 2- نور مصنوعی یا پرژکتور

10) صدا :

- باید در نظر داشت که صدای سر صحنه ارجح است.
- چون اولاً فیلم یک درجه واقع گرایی بیشتری پیدا می کند
- دوم بازیگر کارش را روان تر انجام می دهد.
- سوم فیلم از یک مرحله کار فنی بیشتر یعنی دوبله
- و همچنین از عوارض منفی دوبله مثل ناهم خوانی صدا و تصویر نجات می یابد .

11) موسیقی :

- موسیقی فیلم مکمل تصویر، در فرایند انتقال پیام است. موسیقی فیلم قادر است احساس جدید در مخاطب ایجاد کند و در جهت روایت داستان فیلم به کار گرفته شود.
- موسیقی فیلم حس بازیگران و فضای حاکم بر فیلم را برای مخاطب تعریف می کند.
- ایجاد فضای کمیک، رعب و وحشت و یا رمانتیک بدون به کار گیری کلام و گفتار توسط بازیگران، از طریق به کار گیری موسیقی مناسب امکان پذیر است.
- موسیقی باعث زنده شدن و روح دادن به مخاطب می شود. به بیننده حس غم، شادی و ... می دهد. در واقع موسیقی مکمل تصویر است.

12) گفت و گوها: dialogues

دیالوگ ها بیان مستقیم پیام های پیدا و پنهان فیلم از طریق بازیگران و یا صدای روی تصویر است.

13) جلوه های صوتی: sound effects

جلوه های صوتی در یک فیلم مکمل موسیقی هستند. انتقال فضای ذهنی به مخاطب برعهده جلوه های صوتی فیلم است. صدای سوت قطار و حرکت بر روی ریل راه آهن، تداعی گر نزدیکی فضای فیزیکی به ریل راه آهن است و صدای پیچ یک پزشک به اطاق عمل، تداعی گر واقع شدن یک فضای بسته در بیمارستان است.

14) صدا برداری و صداگذاری :

- یکی از مهمترین مراحل تولید یک فیلم صدا برداری است.
- صدابرداری هم می تواند سر صحنه و یا پس از تولید فیلم، در فضای استودیو انجام گیرد. در این مرحله از تولید فیلم، اگر صدابرداری سر صحنه انجام شده باشد، مرحله میکس صدا تلفیقی از صدای صحنه، دیالوگ ها با صدای اصلی بازیگران و جلوه های صوتی فضای فیلمبردار انجام می گیرد و چنانچه دیالوگ ها نیاز به دوبله داشته باشد، صداگذاری از طریق میکس صداها ضبط شده داخل استودیو، موسیقی فیلم و جلوه های صوتی، انجام می پذیرد.
- دو نوع صدابرداری داریم:
 1. صدابرداری سر صحنه: واقع گرایی بیشتر / آرامش بیشتر بازیگر / طبیعی بودن فیلم / بهترین نوع صدابرداری، صدابرداری سر صحنه است / مشکلاتی که در زمان دوبله گاه رخ می دهد وجود ندارد.
 2. دوبله

15) جلوه‌های ویژه (special effects) :

- (جلوه های ویژه در صنعت فیلم سازی به تصاویری گفته می شود که در زمان ساخت فیلم، ساخت آنها مشکل باشد. این صحنه ها به صورت واقعی کار میشوند و همه آنها توسط بدل کاران، هنرمندان، فیلمبرداران و تعدادی متخصصان مواد منفجره و ماکت سازی اجرا شده و با خود دوربین ها ضبط می شوند و بعضی از آنها بعد از ضبط کار می شوند. صحنه هایی در بعضی از فیلم ها وجود دارد که بازیگر اصلی نمی تواند آن را انجام دهد.
- جلوه ویژه دو مدل است:
- 1- سر صحنه 2- پس تولید

16) جلوه های مجازی :

افکت هایی است که در آن لحظه بازیگران نمی توانند اجرا کنند و از طریق کامپیوتر صورت می گیرد. برای مثال اگر کارگردان شکل خاصی از ابر در آسمان را در نظر داشته باشد اما آن شکل در دسترس نباشد از جلوه های مجازی استفاده کرده و با رایانه شکل دلخواه را وارد آسمان تصویربرداری شده می کنند. اما مثلا تصادفات و اکثر انفجارات را توسط جلوه های ویژه با رعایت نکات ایمنی و علمی واقعا انجام می دهند

مراحل سه گانه تولید :

1. پیش تولید: در این مرحله کلیه کارها اعم از انتخاب فیلمنامه، بازیگران، کارگردان، پیدا نمودن مکان، بودجه بندی و ... که توسط تهیه کننده صورت می گیرد، انجام می شود.
2. تولید و اجرای فیلم
3. پس تولید: که گاهی بیشتر از پیش تولید زمان می برد و کارهایی نظیر مونتاژ، جلوه های ویژه، ساخت موسیقی، صدا و ... و در نهایت با انتقال فیلم بر روی ویدئو یا لوح فشرده به پایان می رسد

سواد رسانه ای

تاریخچه سواد رسانه ای :

- اولین بار مارشال مک لوهان سواد رسانه ای را مطرح کرد. (گسترش ابعاد وجودی انسانی)
- با توجه به مراحل تکوین ارتباطات (عصر شفاهی . حس شنوایی -عصر چاپ ، حس بینایی - عصر الکترونیک، حس بینایی و شنوایی) در این دوره جدید که عصر اینترنت است هم ارتباط چهره به چهره است هم چایی و هم بصری و موضوع دهکده جهانی مطرح می شود. در حال حاضر ایمیل و ارتباطات الکترونیکی راه های ارتباطی را آسان کرده اند و همه براحتی می توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. پس اکنون گسترش ابعاد وجودی انسانی و کامل شدن انسان رخ داده است. تکامل انسانی و تکامل ارتباطی با هم رخ داده است.
- کانادا اولین کشوری است که درباره سواد رسانه ای در مدارس اطلاع رسانی کرده است.
- و در ایران از لحاظ سواد رسانه ای ضعیف عمل کرده است.

- راهکارها: آموزش کودکان از ابتدا لازم است. به طور مثال دیدن برخی سریال ها و فیلم ها برای کودکان ممنوع است. باید به والدین آموزش داده شود تا از دوران کودکی به فرزندان خود سواد رسانه ای را یاد دهند تا در بزرگسالی آگاهی های لازم را کسب نموده باشند.
- سواد رسانه ای همانند یک رژیم غذایی است. در یک رژیم غذایی فرد هر آنچه را که برایش مفید است انتخاب کرده و به میزان مناسب با ظرفیت خود می خورد. همچنین میزبان طبق اهداف خود میز را تدارک می بیند. بنابراین می توانیم سواد رسانه ای را اینگونه تعریف کنیم: « هر رسانه ای با اهداف مورد نظر خود برنامه های خاص خود را برای مخاطب خود فراهم می سازد و رسانه با ایدئولوژی، اهداف، سیاستها و نوع جامعه ای که در آن فعالیت می کند و خط مشی خود یکسری برنامه ها را می سازد. از طرفی مخاطب با توجه به نگرش، ارزشها، باورها، سلیقه، سن، جنس، تحصیلات، فرهنگ و ... برنامه را انتخاب می کند که در واقع مواجهه، توجه، درک و نگهداشت گزینشی دارد. " سواد رسانه ای یعنی نگاهی دقیق، نقادانه و تحلیلی به کلیه وسایل ارتباط جمعی و توجه به تاثیرات آنها "»